

نوع دوستی



در یکی از باغ‌های سبز و پرطراوت، در دل یک جنگل سرسبز، بازار پر جنب و جوشی به نام «بازار جنگلی» قرار داشت. این بازار، محلی برای خرید و فروش انواع کالاها و غذاهای خوشمزه بود که حیوانات مختلف از سرتاسر جنگل به آنجا می‌آمدند. هر روز، خرگوش‌ها، سنجاب‌ها، پرندگان و دیگر حیوانات با دل خوش به بازار می‌آمدند تا نیازهای خود را برطرف کنند و با دوستان خود دیدار کنند. یک روز بهاری، وقتی که بازار در اوج شلوغی بود و همه چیز در حال حرکت و رونق بود، ناگهان حادثه‌ای رخ داد که تمام بازار را تحت تأثیر قرار داد. سنجاب کوچکی به نام «چیکو»، که یکی از فروشندگان محبوب بازار بود، به طور ناگهانی بیمار شد. چیکو، همیشه با لبخند و انرژی به کار خود می‌پرداخت و با مهمان‌نوازی و مهربانی با مشتریان برخورد می‌کرد.



سنجاب ها، که دوستان نزدیک چیکو بودند و به او احترام زیادی می گذاشتند، به سرعت جمع شدند تا برای کمک به او تصمیم بگیرند. آن ها به این نتیجه رسیدند که چیکو به کمک فوری نیاز دارد. چیکو همیشه به دیگران کمک می کرد و حالا نوبت به کمک رسانی به او بود.

خرگوش های سریع و چابک، که به خاطر سرعت و فعالیت خود شناخته می شدند، بلافاصله به بازار پریدند تا خبر بیماری چیکو را به اطلاع همه برسانند. آن ها با شتاب و دلسوزی به دور بازار دویدند و به فروشندگان و خریداران توضیح دادند که چیکو بیمار شده است و به دلیل عدم حضور او، فروشگاهش نمی تواند به فعالیت ادامه دهد. خرگوش ها از همه خواستند که برای حمایت از چیکو، به دیگر فروشندگان مراجعه کنند و خریدهای خود را در این روز به تأخیر بیندازند.

در همین حین، جفدها، که به دانایان جنگل مشهور بودند، به سراغ برپایی صندوقی برای جمع آوری کمک های مردمی رفتند. آن ها در مرکز بازار، جایی که همه به راحتی می توانستند به آن دسترسی داشته باشند، صندوقی گذاشتند و با توجه به مهارت های خود، تبلیغات گسترده ای درباره کمک به چیکو انجام دادند. جفدها به حیوانات گفتند که هر مقدار کمک مالی یا مواد غذایی که می توانند ارائه دهند.

فیل های بزرگ، که با قدرت و توانمندی خود شناخته شده بودند، به عنوان نیروی کار در نظر گرفته شدند. آن ها به سنجاب ها کمک کردند تا کالاهای چیکو را از فروشگاه جمع آوری کنند و به یک چهار ضلعی که اضلاعش دو به دو موازی و مساوی هم هستند، دو زاویه تند و دو زاویه باز دارد و مجموع زوایای مجاورش 180° درجه می شود منتقل کنند. فیل ها با قدرت و دقت خود به سرعت کالاها را جابه جا کردند و به محل امنی منتقل کردند تا وقتی که چیکو بهبود یافت، بتواند به راحتی به فروشگاه خود باز گردد.

در همین حال، پرندها با آوازهای شاداب و روحیه بخش خود، به افزایش انگیزه و روحیه حیوانات کمک کردند. آن ها در بالای بازار پرواز کردند و از هر کسی که کمک کرده بود، تشکر می کردند.



با تلاش‌های بی‌وقفه تمامی حیوانات، صندوق کمک پر شد و نیازهای فوری چیکو تأمین گردید. همچنین، تمامی حیوانات بازار با همکاری و نوع‌دوستی خود نشان دادند که چگونه می‌توانند در برابر مشکلات به یکدیگر کمک کنند و جامعه‌ای قوی‌تر و یکدل‌تر بسازند. وقتی چیکو بهبود یافت با قلبی پر از قدردانی و شادی به بازار آمد و از همه حیوانات تشکر کرد.

چیکو از محبت و نوع‌دوستی دوستان و همکارانش بسیار تحت تأثیر قرار گرفت و گفت: «بدون کمک و همدلی شما، من نمی‌توانستم از این بحران عبور کنم. محبت و حمایت شما نشان می‌دهد که در بازار جنگلی، نوع‌دوستی و همکاری در اولویت قرار دارد.»

بازار جنگلی با تمام تنوع و زیبایی‌اش، به عنوان نمونه‌ای از همبستگی و نوع‌دوستی شناخته شد. حیوانات بازار همواره به یاد خواهند داشت که در زمان‌های سخت، با همکاری و همدلی می‌توانند بر مشکلات غلبه کنند و جامعه‌ای بهتر و مهربان‌تر بسازند. این درس ارزشمند، به همه یادآوری کرد که نوع‌دوستی، کلید موفقیت و شادی در زندگی است.

با توجه به متن، به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. چه حیواناتی در داستان با آواز خواندن به دیگران روحیه می دادند؟

.....

۲. نام سنجاب کوچک داستان چه بود؟

.....

۳. چه حیواناتی برای کمک به چیکو صندوق آماده کردند؟ آنها صندوق را کجا قرار

دادند؟

۴. رفتار چیکو با مشتریانش چگونه بود؟

.....

۵. چهار ضلعی که فیل ها کالاهای سنجاب را به آنجا بردند چه نام دارد؟

.....

۶. یک صفت برای خرگوش ها و یک صفت برای جغد ها که در داستان بیان شده است

را بنویسید.

۷. ارتفاع های چهار ضلعی اشاره شده ی داستان را رسم کنید.

.....

.....

.....

.....

۸. خبر بیماری چیکو را چه کسانی به حیوانات دیگر رساندند؟

.....